



فاطمه شهیدوست

رسانه

این‌که در دهه‌هایی که جناب رادیو سپهری کرده چه جریان‌هایی رخ داده و چطور امروز به این نقطه رسیده، موضوعی بود که باعث شد ما سراغ یکی از قدیمی‌های دنیای صدا برویم؛ حمیدرضا خزایی که سمت‌های مختلفی را در این رسانه تجربه کرده و مدیریت رادیو جبهه یکی از معروف‌ترین آنهاست. در ادامه می‌توانید این گپ و گفت را که با بحث خش خش خش پرخاطره رادیو شروع می‌شود را بخوانید.

رادیو جزو رسانه‌های قدیمی و پرخاطره است اما صدای خش خش معروف آن اگر نگوییم بیشتر اما به اندازه خود رادیو شهرت دارد، این صدا اصلا از کجا و چرا می‌آمد؟

این صدای خش خش‌ها صدای تغییر طول موج‌های رادیو بود. زمانی که رادیو راه می‌افتد، تنها یک موج ام دلبلیو یا متوسط و اس دلبلیو یا کوتاه داشت. همچنین رادیوهای آن موقع رادیوهای لامپی با جعبه‌های بزرگ جویی بودند که به صورت خطی عمل می‌کردند و زمانی که پیچ رادیو را می‌چرخانند، به هر موجی که می‌رسید، صدای پارازیت و نویزمانندی روی بلندگوها ایجاد می‌شد. اینها در واقع بیشتر پارازیت یا طول موج‌های مزاحم بودند و تا پیدا شدن طول موج مورد نظر ادامه داشتند.

یعنی مثل این روزها طول موج‌ها با عدد و رقم مشخص وجود نداشت؟

بله، قدیم‌ها به کیلوهرتزها خیلی توجه نمی‌کردند، می‌چرخاندند تا صدای مناسب‌شان را پیدا کنند. در واقع این نشانگر به صورت نخ‌ی بود که روی صفحه‌ای حرکت می‌کرد. رادیوهای سنگینی که به آنها رادیوهای لامپی می‌گفتندو بیشتر از آلمان وارد ایران می‌شدند و بعد از جنگ جهانی که رادیو بیشتر در دسترس مردم قرار گرفت، خیلی گران بودند.

و حتما کمیاب هم بودند؟

درست است، آن موقع‌ها مثلا در تهران بیشتر از هفت مغازه رادیوفروشی نبود؛ مثل اطراف خیابان لاله‌زار و میدان توپخانه. آن زمان انحصار فروش رادیو دست همان چند مغازه بود. بعد از اینها رادیوهای باتری‌ای وارد شد و کم‌کم توانستند این رادیوها را به مناطق دیگر منتقل کنند چون ابتدا این رادیوها برقی بوده و برق همه جا نبود. در یک دوره برای رفع مشکل بی‌برقی، رادیویی وارد شد که با نفت و یک شعله کار می‌کرد و اکنون در موزه رادیو، نمونه‌هایی از رادیو نفتی وجود دارد.

از ادامه این جریان و دسترسی که بیشتر شد و در همه جا به چشم می‌خورد هم بگویید، از کی این اتفاق افتاد؟ چون تصاویر جالبی از دکل‌هایی که آن موقع روی تپه‌ها و نقاط مختلف نصب شدند وجود دارد؟

همه‌گیری رادیو یکی از مهم‌ترین گام‌ها و آرزوهای بشر بود. یعنی اقدامی که در طول آن بتوانند همه شهرهای هر کشوری را تحت پوشش خودشان قرار دهند. و اما چهارم اردیبهشت ۱۳۱۹ که رادیو در تهران و در باغ موزه قصر افتتاح می‌شود، همان‌طور که گفته‌شد رادیو برای همه در دسترس نبود تا جایی که در میدان توپخانه بلندگوی قوی کار گذاشته بودند و مردم در ساعتی خاص جمع می‌شدند و اخبار رادیو را گوش می‌کردند. در

ادامه که رادیو آرام آرام تکامل پیدا کرد در شهرهای مختلف



این شبکه در بخش ژانر هننگی خود فیلم‌هایی در تقابل (سرقت و قانون» را برای بخش در نظر گرفته است و در بخش صحنه‌گران فیلم‌های شاخص آنتونی هاپکینز را روی آنتن می‌برد. به گزارش جام جم، فیلم و تله‌فیلم‌های ایرانی شبکه نمایش از شنبه ۴ تا جمعه ۱۰ اردیبهشت ساعت ۱۳ هر روز با عناوین روایی پروانه، عامل سوم (به مناسبت

۷ روز با نقش آفرینی «آنتونی هاپکینز» در شبکه نمایش

این شبکه در بخش ژانر هننگی خود فیلم‌هایی در تقابل (سرقت و قانون» را برای بخش در نظر گرفته است و در بخش صحنه‌گران فیلم‌های شاخص آنتونی هاپکینز را روی آنتن می‌برد. به گزارش جام جم، فیلم و تله‌فیلم‌های ایرانی شبکه نمایش از شنبه ۴ تا جمعه ۱۰ اردیبهشت ساعت ۱۳ هر روز با عناوین روایی پروانه، عامل سوم (به مناسبت

حمیدرضا خزایی، از مدیران قدیمی این رسانه از داستان رادیو می‌گوید

قصه خش خش معروف تا دکل‌های پرماجرا



هم ایستگاه‌هایی ایجاد شد منتهی مثل الان فرستنده‌ها خیلی قوی نبودند. یک فرستنده در مسیر می‌گذاشتند که امواج را می‌گرفت و به فرستنده بعدی می‌داد تا به شهر یا منطقه مورد هدف می‌رسید، بعد هم در آنجا دکل‌های بزرگی را نصب می‌کردند که طول موج را در آن منطقه پخش می‌کرد. یعنی در هر نقطه از کشور فرستنده‌های خودش را داشت و از شهری به شهر دیگر طول موجی که برای دریافت رادیو داشتید فرق می‌کرد.

ما در رادیو، مرکزی به نام تکنیر و امور استان‌ها داشتیم که در آن برنامه‌ها ساخته و بعد کپی می‌شدند و در ادامه توسط پست به استان‌ها می‌رساندند و آن را پخش می‌کردند. این دکل‌ها هم که از آن گفتید به این دلیل بود که هر دکلی باید با قبلی را ببینید و امواج را تقویت و به اصطلاح به آنتن بعد رله کند.

منظورتان از رله چیست؟ همان انتقال امواج است؟

آن موقع دیش‌هایی مثل ماهواره‌های امروز بود که مخابرات مسؤولیت تهیه و نصب آن را داشت. هردیشی صدایی را می‌گرفت و به دیش بعدی منتقل می‌کرد. به این جریان رله‌کردن می‌گفتند که با دستگاه رله که بیشتر بالای کوه‌ها نصب‌شان می‌کردند، اتفاق می‌افتاد. فناوری این جریان هم برای ما نبود و از کشورهای اروپایی و غربی آمده بود و بیشتر فرانسوی‌ها و آلمانی‌ها آن را تولید می‌کردند. دکل‌ها نیز به همین ترتیب بیشتر از فرانسه می‌آمد. البته مسؤولیت ما بیشتر در حوزه پیام‌رسانی و محتوا بود و بهتر است این موضوعات را از فنی‌های قدیمی رادیو پرس و جو کنید.

تبدیل این فضای آنالوگ به دیجیتال از کی اتفاق افتاد؟

عصری که الان در آن هستیم، می‌توانیم به جرات درباره‌اش بگوییم که عصر پردازش سیگنال‌هاست یعنی ما در عصری قرار داریم که این اتفاق رخ داده و به دلیل گرانی، سنگینی و فضایی که اشغال می‌شده دیگر کسی از آنالوگ استفاده نمی‌کند. از اواخر دهه ۸۰ تلویزیون از آنالوگ به دیجیتال تبدیل شد و این روند برای رادیو هم از مدتی بعد و اوایل دهه نود شروع شد.

کمی از تقسیم‌بندی موج‌ها هم بگویید، این‌که اعدادی که امروز برای هر شبکه استفاده می‌شود اصلا یعنی چه؟

بعد از دو موج ام دلبلیو (MW) و (SW) که اشاره شد، موج اف ام که برای فرستنده‌ها و بی‌سیم‌ها بود، ایجاد شد. موجی که کیفیت صدای بهتری دارد. مثلا شبکه جوان یکی از شبکه‌هایی است که بیشترین فرستنده موج اف ام را برای خودش ثبت کرده و در تمام روستاها و استان‌ها می‌توانید آن را دریافت کنید. در اصل، مرکز فنی ما طول موجی را انتخاب می‌کند که لازم است تا ثبت جهانی هم بشود چون جاهای دیگر بعد از ثبت نباید از آن طول موج استفاده کنند. طول موج‌های رادیویی که امروز آن را می‌بینید هم به صدا و سیما اختصاص دارد و روی آن طول موج هر شبکه‌ای برای خودش محدودهای را تعریف می‌کند مثلا ۸۸ موج رادیو جوان است و موارد دیگری که تعیین شده هستند و می‌شود به راحتی به آن دسترسی پیدا کرد.

یعنی می‌شود گفت هر کدام از این امواج مثل اف ام مانند خط‌کشی هستند که هر چند سانت آن به یک شبکه اختصاص دارد؟

بله، دقیقا همین‌طور است و به همین دلیل است که در رادیوهای دیجیتال به راحتی این عدد را جست‌وجو و شبکه دلخواه را پیدا می‌کنند.

در طول این پیشرفت‌ها، قطعا جریان محتوایی رادیو هم با تغییراتی همراه بوده،

روز شکست آمریکا در طیس)، لیخند سبز، تپه آدم‌برفی، لکت، تا افطار چیزی نمانده و غربانه از این شبکه پخش خواهند شد. شبکه نمایش در ساعت ۲۱ روزهای این هفته در بخش صحنه‌گران، شبکه نمایش به مرور آثار آنتونی هاپکینز، بازیگر توانمند و موفق که توانسته جایزه‌هایی زیادی از جمله: سه جایزه بفتا، دو جایزه امی، جایزه گلدن گلوب

از این فضا هم می‌گویید.

اول خوب است یادآوری کنیم که رادیو چند مزیت داشت و دارد. ازران بودن، سبک بودن، سرعت انتقال و قابلیت استفاده در همه جا برخی از این موارد هستند. قبل از انقلاب با رادیو ایران این رسانه را می‌شناختند و بعد از انقلاب رادیو ایران به صدای جمهوری اسلامی ایران و با محتوای جدیدی تبدیل شد.

ما قبل از انقلاب حدود ۲۰ تا ۲۵درصد کلام و تا ۷۵ تا ۸۰درصد موسیقی داشتیم اما بعد از انقلاب این نسبت تغییر کرد و به ۲۰درصد موسیقی و ۸۰درصد کلام رسید. این یکی از اولین اتفاقاتی بود که در رادیو افتاد.

یادتان هست اولین موسیقی که آن روزها پخش شد چه بود؟

آن موقع‌ها اولین ترانه‌ای که پخش شد «والا پیامدار محمد(ص)» از فرهاد مهراد و با آهنگسازی اسفندیار منفردزاده بود که به نام محمد(ص) پخش شد و مردم هم بسیار خوششان آمد.

رادیو در جریان جنگ نقش مهمی داشت، درست است؟

بله، در ادامه با شروع جنگ رادیو به عنوان منبع اول کسب خبر برای مردم تبدیل شد و در دهه ۶۰ به منوسی برای خانواده‌ها تبدیل شد. خاطره سوم خرداد ۶۱ و فتح خرمشهر هم عنوانی بود که همه شنیدن آن را از رادیو به خاطر دارند. همچنین در جبهه‌ها هم ما همین جریان را داشتیم و از آنجا که جنگ در بیابان و کوه و کمر بود، ما برنامه‌هایمان را در رادیو خوزستان و کرمانشاه دریافت می‌کردیم و با مسیری که گفتم، به جبهه‌ها رله می‌کردیم و در نهایت با بلندگوهایی که روی ماشین‌هایی نصب بود، آنها را پخش می‌کردند. در جریان این ماجرا جبهه‌ها به اصطلاح شارژ می‌شدند.

درباره رادیو جبهه و دفاع مقدس هم در گزارش دیگری مفصل صحبت می‌کنیم اما کمی می‌گویید منظورتان از شارژ شدن چه بود؟

البته رادیو جبهه چهارسال بعد از جنگ راه افتاد و قبل از آن رادیو سراسری مدیریت تبلیغی دفاع مقدس را به عهده داشت. یکی از کارهایی که در جبهه‌ها باید می‌کردیم، بسیج نیروها بود که در کنار اخبار این اتفاق از طریق رادیو می‌افتاد. این یکی از اهداف ثابت رادیو بود که تا نیروکم بود فرمانده‌ها تماس می‌گرفتند و از این طریق اعلام می‌کردند که برای فلان عملیات نیرو می‌خواهند. در ادامه هم مردم مراجعه می‌کردند و بعد از آموزش‌هایی به جبهه اعزام می‌شدند.

این رادیو دیگر چه هدفی را دنبال می‌کرد؟

ایجاد پیوند عاطفی بین مردم و جبهه‌ها هم هدف دیگری بود که در راستای همان جریان در رادیو شکل گرفته بود، یعنی ما باید کاری می‌کردیم تا مردمی که در پشت جبهه هستند بتوانند اخبار جبهه را بگیرند و افراد دیگری که در خط بودند، بتوانند خبری از خانواده‌هایشان بگیرند. آن موقع‌ها خانواده‌ها به رادیو زنگ می‌زدند و پیام حماسی می‌دادند و ما آن را برای رزمنده‌ها پخش می‌کردیم. ما همچنین بخش آموزشی هم داشتیم، به جوانانی که در جبهه بودند نکات نظامی و اخلاقی را مثل برخورد با اسیر یا موارد مختلف دیگر را توضیح می‌دادند.

فکر می‌کنید روندی که رادیو در این سال‌ها طی کرده چطور بوده و الان چه جایگاهی بین مخاطبانش دارد؟

به هر حال رادیو رسانه‌ای است که مونس و همدم مردم بوده و این جریان همیشه ادامه دارد. در واقع رادیو هیچ‌وقت از بین نمی‌رود چرا که تنها صداست که می‌ماند. در این سال‌ها هم رادیو روند خوبی را طی کرده و در دهه چهارم از تولد این رسانه نیروهای متخصص به‌خوبی در حال پیش بردن کار هستند به طوری که با سه دهه قبل به‌طور کلی فضای آن متفاوت شده. مثلا در حوزه محتوا ما اوایل اصلا موسیقی پاپ پخش نمی‌کردیم اما امروز بخش‌های موسیقایی مختلفی را می‌شنویم. همچنین با گذشت زمان این رسانه رقبای زیادی مثل پادکست‌ها، رادیوی اینترنتی و فضای مجازی یا همان کلاب هاوسی که این روزها پررنگ شده، پیدا کرده است و به همین دلیل لازم است تا در این ایام با ارائه محتوای غنی در کنار سرعت عمل مداومت داشته باشد. از همین‌رو لازم است تا رادیو در آینده بخش‌های مختلفی مثل خبر، آگاهی‌رسانی، موارد فرهنگی اجتماعی و تفریحی به‌روزی داشته باشد تا بتواند اثرگذارتر باشد. در طول ۴۲ سال فعالیت رادیو پس از انقلاب اسلامی فراز و نشیب‌های زیادی بود که در آن تعدادی از همکاران خوب ما آسمانی شدند و یاد و خاطره این عزیزان را گرامی می‌داریم.

سیسیل را کسب‌کند می‌پردازد و فیلم‌های این بازیگر به ترتیب افسانه‌های خزان در نقش: (سرهنگ ویلیام لادو)، نیکسون (ریچارد نیکسون)، سکوت بره‌ها (دکتر هانیبال لکتر)، نقاب زورو (دون دیگو دلاوگاو یا همان زورو)، حس ششم (جان کلنسی)، فراتر از فریب (آرتور زینگ)، وبقایای روز(جیمز استیونز) روی آنتن می‌روند.



جشن کوچک جام جم برای رادیو که ام

کاشکی که ۱۰۰ سال

شاید به‌تصور برخی‌ها، رادیو رسانه‌ای ساده است ولی با گرفتن یک موج در همین رس‌صداهایی که خاطرات زیبایی را در ذهن زنده می‌کند، درباره این خاطرات می‌توان ساعت ورق‌بزنیم، آن‌وقت است که به داستان شیرین و هیجان‌انگیزی می‌رسیم؛ داستان‌هایی متعجب بودند و برایشان جالب بود که چطور از چنین ابزاری صداها‌ی متفاوت شنیدیم غریب در ایران مطرح بود، زیرا رادیو در آن زمان وسیله گرانی محسوب شده و از کشورها اگر کسی می‌خواست رادیو بخرد باید برای این وسیله جواز هم تهیه می‌کرد؛ به همین دسترسی به این رسانه داشته باشند، برای همین وقتی صاحب خانه‌ای می‌توانست برنامه‌هایش را گوش می‌دادند. به دلیل همین این ابزار تا مدت‌ها برای مردم ناآشنا بود و



فاطمه عودباشی

رسانه

صدا‌های مختلف شنیده می‌شد، تا این‌که به مرور زمان رادیو در ایران به قیمت مناسب‌تری رسید و راهی همه خانه‌ها شبکه‌های سراسری و تخصصی شده است. گرچه برای مقاطعی هم مورد بی‌مهری قرار گرفت و برخی اعلام می‌ت نشان داد که همچنان این وسیله رادیویی که امروزه به راحتی در دسترس است، می‌تواند نقشی بسزایی داشته با همچون سیل، زلزله و... نقش موثری داشته و حالا هم با ورود ویروس مخوف کرونا باز هم نقشش را به‌درستی ایفا رسیده‌است. به همین دلیل در قالب پرونده‌ای به‌مناسبت تولد این رسانه مستطیل شکل که امروز حتی در گوش

مدیران شبکه‌های رادیویی، بی‌واسطه با مردم صحبت می‌کنند

به مناسبت چهارم اردیبهشت، سالروز راه‌اندازی اولین فرستنده رادیویی در ایران، امروز مدیران ۹ شبکه رادیو به حضور در امور مخاطبان روابطعمومی رسانه ملی به تماس‌های مردمی پاسخ می‌دهند. به گزارش روابطعمو رسانه ملی، مدیران شبکه‌های رادیویی ایران، نمایش، جوان، فرهنگ، ورزش، اقتصاد، سلامت و پیام و آوا امری ساعت ۱۲ به مدت یک ساعت پاسخگوی تماس‌های مردم با سامانه ۱۶۲ روابط عمومی سازمان صدا و سیما خواهد بود تا بی‌واسطه از نظر مردم درباره برنامه‌های رادیو آگاه شوند. علاقه‌مندان می‌توانند از سراسر کشور امرو ساعت یادشده با شماره تلفن ۱۶۲ تماس بگیرند و دیدگاه‌هایشان را درباره برنامه‌های این شبکه‌ها به‌صو مستقیم با مدیران معاونت صدا در میان بگذارند. چهارم اردیبهشت ۱۳۱۹ اولین فرستنده رادیویی در ا فعالیت خود را آغاز کرد و این روز به نام روز رادیو در کشور نامگذاری شده است. از آن سال تاکنون ۸۱ سال می‌گذد در این سال با تعداد شبکه‌های رادیویی با حوزه‌های تخصصی متفاوت راه‌اندازی شده‌اند.



یک نمونه از رادیو نفتی که در موزه رادیو نگهداری می‌شود

جمعه‌های خاطره‌انگیز



نام برنامه: صبح جمعه با شما

تاریخ تولد: ۱۳۶۰

چی به چی: در آن سال‌هایی که

درگیرودار روزهای جنگ بودیم و اکثر خبرها به بمب، حمله، ویرانی و... ختم می‌شد، «صبح جمعه با شما» جزو معدود برنامه‌هایی بود که مردم را از حال و هوای غم و غصه بیرون می‌آورد و کمی آنها را می‌خنداند. حتی مردم با این برنامه زندگی

می‌کردند و هنرمندان بسیاری همچون شادروان منوچهر نوری، خالق نقش‌های ملون و آقای دست‌ودلباز، منوچهر آذری با آن سوت‌های منحصر به فردش و خالق کارمندکوچولو، بریچهر بهروان، شهلا ناظریان، علیرضا جاویدنیا، زنده‌یاد فرهنگ مهرپور، شهروز ملک‌آزایی، مهین دپهیم و... در آن ایفای نقش کردند.

قصه‌هایی برای ظهرهای جمعه



مخاطبان این برنامه آن را با صدای محمدرضا سرشار به خاطر دارند، اما این برنامه را فضل... مهنتی، معروف به صبحی راه‌اندازی کرد. صبحی سال‌ها قصه‌گوی این برنامه بود و زمانی اجرای این برنامه را رها کرد که سرطان حنجره او را از پای درآورده بود. پس از صبحی به ترتیب علی جواهرکلام، ایرج گلسرخی، حمید عاملی و مصطفی موسوی‌کرمارودی مدتی اجرای قصه‌های این برنامه را به عهده داشتند.

نام برنامه: قصه ظهر

جمعه

تاریخ تولد: سال ۱۳۹۱

چی به چی: مگر می‌شود

حرف ظهرهای جمعه شود و به یاد برنامه قصه ظهر جمعه نیفتیم که همه ما چند بار قصه‌های آن را گوش کرده‌ایم؟ اگرچه بیشتر

لالایی برای همه بچه‌ها



نام برنامه: شب بخیر کوچولو

تاریخ تولد: سال ۱۳۶۰

چی به چی: گنجشک لالا، سنجاب

لالا، آمد دوباره مهتاب، لالا لالایی

لالا لالایی ... شاید داستان‌های

«شب بخیر کوچولو» در ذهن

شنوندگان کامل باقی نمانده

باشد، اما موسیقی تیتراژ آن

برای همه آشناست و خیلی‌ها

ترانه‌اش را حفظ هستند.

این تیتراژ که «لالایی» نام دارد،

براساس شعری از مصطفی رحماندوست، شاعر خوب کودکان سروده شد و پروشات پیروزکار وقتی فقط هشت سال داشت آن را برای تیتراژ این برنامه خواند. در این برنامه مریم نشیبیا با صدای گرم و مهربانش هر شب در این برنامه قصه‌ای برای کودکان تعریف و آنها را برای خوابی شیرین آماده می‌کند.